



ساعتی برای زندگی کردن
ساعتی برای عشق ورزیدن

Carlson, Richard ریچارد کارلسون ۱۹۶۱-۲۰۰۶ م.

Carlson, Kristin کریستین کارلسون ۱۹۶۳- م.

ساعتی برای زندگی کردن، ساعتی برای عشق ورزیدن، ریچارد کارلسون،

کریستین کارلسون / ترجمه‌ی مؤژان غفاری

تهران: کتاب‌سرای نیک، ۱۳۹۵.

ISBN 978-964-2953-47-9 شابک:

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

Answer to live, an hour to love: the true story of: عنوان اصلی:

the best gift ever given

موضوع: ۱. عشق، ۲. روابط زن و مرد، ۳. دوستی، ۴. سوگمندی، ۵. شوهران

— مرگ — جنبه‌های روان‌شناسی

غفاری، مؤژان، مترجم.

ع ۵۷۵ / ۱۷۳ BF

۱۵۸

۴۴۶۹۱۲۳

شماره کتابشناسی ملی:



ساعتی برای زندگی کردن
ساعتی برای عشق ورزیدن

ریچارد کارلسون و کریستین کارلسون
ترجمه: غفری

نوبت چاپ: اول
تیراژ: ۱۱۰۰ جلد
تاریخ چاپ: ۱۳۹۶
قیمت: ۴۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۳-۴۷-۹

کلیه حقوق محفوظ است.

خیابان وصال شیرازی، شماره ۲۶، طبقه ۵، واحد ۱۵

تلفن: ۶۶۴۸۰۸۷۱
فکس: ۶۶۴۸۰۸۷۰

مرکز پخش: ۶۶۴۰۴۵۳۲

فهرست



قدمه

۱

ساعتی برای زندگی کردن

اثر ریچارد کارل

۱۷

ساعتی برای عشق ورزیدن

اثر کریستین کارلسون

۴۳

مقدمه



همسرم در حالی که دستم را گرفته بود و پاکتی بسته شده با یک روبان طلایی در دست دیگرش داشت، مرا به سمت نیمکت مورد علاقه بان رستاقیانوس آرام، زیر طاقی از جنس چوب سرو و کاج برد. تقریباً ۲۰ دقیقه قبل از غروب آفتاب بود. نشستیم و به آغوشش پناه بردم. دست‌هایمان دور یکدیگر گره خورد. شکرگزار مشاهده‌ی یکی دیگر از نبات‌های طبیعت بودیم و از لحظه لذت می بردیم. سپس پاکت را در سکوت به من داد. روی پاکت نوشته شده بود:

ساعتی برای زندگی کردن:

با که تماس می گیری و برای چه منتظری؟

برای کریس، عشق زندگی ام.

در هجدهمین سالگرد ازدواجمان

تقدیم با عشق، ریچارد

برای من، که فقط برای او یک کارت تبریک خریده بودم، لحظه‌ی خجالت‌آوری بود.

در حالی که بالای صخره نشسته بودیم و ریچارد پائین رفتن خورشید را تماشا می‌کرد، زیباترین جملاتی را خواندم که می‌توان تصور کرد. دریافت این هدیه از طرف ریچارد کار آسونی نبود. نویسنده‌ای پرکار بود، بسیار ارزشمند بود. با خودم فکر کردم چطور توانسته وقت انجام چنین کاری را پیدا کند؟

هنگامی که به طرف او برگشتم، در حالی که اشک روی گونه‌هایم سرازیر شده بود از آن پرسیدم که آیا به بیماری لاعلاجی مبتلا شده است؟ او خندید و پاسخ داد: «نه من بیمار نیستم. از عشق‌مان و زیبایی زنانه‌ی ام گرفتم و باید این جملات را می‌نوشتم».

امروز عمق و تأثیر پیام او را درک می‌کنم. سال بعد، در اندوه‌بارترین لحظات زندگی‌ام، در حالی که برای برگ زودهنگام او، از دست دادن عشق زندگی‌ام و تمام برنامه‌های من که با هم برای آینده داشتیم عزاداری می‌کردم، به یاد نامه‌ای زیباترین هدیه‌ای که تا به حال داده شده افتادم. همه‌ی کیف‌های تیفانی و چیزهای زیبایی که پول قادر به خرید آنهاست، در

مقایسه با عشق مشهودی که در میان این صفحات وجود داشت، رنگ می‌باختند. تنها چیزی که با هر نفس و با تمام ذرات وجودم می‌دانم این است که عشق، واقعاً ابدی و همیشه جاودان است. عشق هسته‌ی اصلی ارتباطات ما، معنای زندگی را جاسازی می‌کند. ریچارد در آن زنده و ناب باقی خواهد ماند. من با او برای همیشه یکی شده‌ام. این هدیه برای من و دخترانم که در او، به دست دادنش به سر می‌بریم و در حال قدم گذاشتن به زندگی جدیدی هستیم، امید و آرامش است. ریچارد ناخودآگاه از احتمال مرگی ناگهانی که برای هر یک از ما نیز می‌توانست رخ دهد، آگاه بود. با تقسیم قدردانی و عشق به قلبش را پر کرده بود برای ما الگویی از چگونه کامل زیستن. او، وجودش چیزی را به من بخشید که به من قدرت زندگی می‌دهد.

من ریچارد را با علم به این موضوع که - پدر عاشقانه مرا دوست داشت و مشترکاتمان در طول این زندگی است و پنج ساله چقدر برای او ارزش داشتند، برای همیشه در قلبم نگاه خواهم داشت. امیدوارم شما نیز این کتاب را به فردی خاص هدیه بدهید و این حرف ریچارد را همیشه به خاطر داشته باشید: «انسان نه به خاطر دستاوردهایش، بلکه به خاطر

|ساعتی برای زندگی کردن|
|ساعتی برای عشق ورزیدن|

نحوه‌ی زندگی کردن و میزان عشقی که قلبش را آکنده ساخته
است، در یادها باقی خواهد ماند».

قدر موهبت زندگی را بدانید و از این داستان که بهترین
هدیه‌ای است که تا به حال داده شده لذت ببرید.